

# نیم‌نگاهی تاریخی به راه دشوار آزادی فلسطین

علی حکمت

اشاره: آقای حکمت بر آن بودند تا دو نوشته محمود عباس (ابومازن) با نام‌های "مسئله فلسطین، چشم‌اندازهای نوین" و "این ارتباطات برای چه؟" را ترجمه کنند اما کار سخت تولید کشاورزی که این روزها از کار چریکی هم مشکل‌تر شده، زمان لازم را به ایشان نداد، امیدواریم در فرصت‌های بعدی برگردان این دو اثر را در اختیار خوانندگان عزیز چشم‌انداز قرار دهیم.

اسرائیلیان را رقم زد و در این تردیدی نیست که بنیانگذار شیوه مبارزه مسلحانه علیه اشغالگران در تاریخ جدید فلسطین شیخ عزالدین قسام است و اکنون هم عمده‌ترین نیروهای عملیاتی جهادی در میان سازمان‌های مشهور فلسطین به نام شیخ عزالدین قسام دست به عملیات نظامی می‌زنند. شهادت شیخ، باعث اعلان یک انقلاب سراسری در همه سرزمین فلسطین شد و مدت سه سال پیمایی این وضعیت ادامه داشت تا سرانجام با اعتصاب بزرگی که شش ماه به طول انجامید، در تاریخ ۱۲/۱۰/۱۹۳۶ اعتصاب پایان یافت.



پیش از تشکیل اسرائیل:  
با نگاهی کروئولوژیک و گذرا می‌توان گفت که پیش از تشکیل دولت اسرائیل در ۱۹۴۸ فلسطینیان این خطر را احساس کرده بودند و با تشکیل نخستین کنگره ملی فلسطینیان در ۱۹۱۹/۱/۲۷ جدی بودن خطر تباری میان نیروهای اشغالگر انگلیسی و مقامات صهیونیستی را گوشزد کردند. برخوردهای مسلحانه در میان فلسطینیان و نیروهای استعمارگر انگلیسی و صهیونیستی در آوریل ۱۹۲۰، تظاهرات حیفا در ۲۸/۳/۱۹۲۱، جنبش یافا در ۱/۵/۱۹۲۱، شورش معروف به "هبه البراق" در ۲۳/۸/

۱۹۲۹ و جنبش سراسری در ۲۸/۱۰/۱۹۳۳ همه و همه برای جلوگیری از خطر انعقاد نطفه نامشروعی بود که از مرادوات پشت پرده میان صهیونیست‌ها و مقامات استعمارگر انگلیسی احساس می‌گردید.

مبارزات جسته و گریخته ادامه داشت، نخبگان فلسطینی احساس کردند که باید شیوه‌های جدیدتری را برای مقابله با اهداف شوم استعمارگران و صهیونیست‌ها تدارک ببینند، به همین دلیل "راغب نشاشیبی" با عده‌ای از دوستانش نخستین حزب را در تاریخ نوین فلسطین به نام "حزب دفاع ملی فلسطین" در سال ۱۹۳۴ تأسیس کرد. پس از آن حزب دیگری که از سوی مفتی و رهبر جنبش ملی فلسطین، حاج‌ابن‌الحسینی پشتیبانی و اداره می‌شد تأسیس گردید و در همین زمان بود که شیخ عزالدین القسام در نوامبر ۱۹۳۵ گروه مسلحانه‌ای را تشکیل داد که معتقد بود تنها با مبارزه مسلحانه می‌توان در مقابل توطئه‌های دشمنان ایستاد. در روز ۲۰/۱۱/۱۹۳۵ شیخ عزالدین قسام در یک نبرد دلورانه شربت شهادت نوشید، اما شهادت شیخ سرآغاز شیوه‌ای نوین از رویارویی میان فلسطینیان و

## پیدایش اسرائیل:

در سپتامبر ۱۹۴۵ آتش‌بس جنگ جهانی دوم اعلام شد. در کشاکش جنگ، عده زیادی از یهودیان، توسط ارو پاییان مورد آزار و کشتار قرار گرفته بودند. تمامی اعمال جنایتکارانه علیه یهودیان در ارو پا پیش‌زمینه‌ای شد برای این‌که فاتحان جنگ جهانی با تباری با سران صهیونیست‌ها از باب "گنه کرد در بلخ آهنگری، به شوشتر زدند گردن مسگری" با استفاده از زور و فریب سرزمین فلسطین را تقسیم کنند و در قسمتی از آن دولت اسرائیل را تشکیل دهند. روز ۱۴ می ۱۹۴۸ روز تقسیم فلسطین و روز تشکیل دولت اسرائیل در سرزمین فلسطین است. اعلام موجودیت اسرائیل پیامدهای فراوانی را به همراه داشت که می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد.

الف: کشور فلسطین سقوط کرد و در بخشی از آن دولتی تشکیل شد که ریشه در فلسطین و در منطقه نداشت.  
ب: ناتوانی کشورهای عربی و ارتش‌های آنها را در جلوگیری از این فاجعه به نمایش گذاشت.

ج: با تشکیل دولت اسرائیل که ریشه در غرب داشته و دارد و نماینده منافع امپریالیسم جهانی در منطقه است. امنیت ملی کشورهای منطقه را تهدید جدی کرده و وضعیت ناهنجار جدیدی را بر همه کشورهای منطقه تحمیل نمود.

د: صدها هزار فلسطینی به اجبار از خانه و زندگی دست

کشیده و به عنوان مهاجر و آواره به کشورهای همسایه و دیگر کشورهای منطقه و جهان پناهنده شدند. آمار نسبتاً مستند در رابطه با تعداد آوارگان و پناهندگان فلسطینی، حدود چهارمیلیون برآورد شده است. طبیعی است که نقش این تعداد پناهنده و آواره می تواند باعث بروز مشکلات ناهنجاری ها و پیامدهای ناگواری شود که بر کل منطقه و جهان و بویژه

کشورهای همسایه تأثیرات منفی گریزناپذیری گذارد. تمام کسانی که با مسائل خاورمیانه آشنا هستند در تحلیل نهایی، نقش فلسطینیان را در چالش های منطقه ای به صورت بنیادی موثر می دانند و اعتقاد دارند که بدون دستیابی به یک راه حل عادلانه و منطقی و مورد توافق میان دوطرف بحران، منطقه خاورمیانه به آرامش دست نخواهد یافت.

\*\*\*

پس از پیدایش اسرائیل:

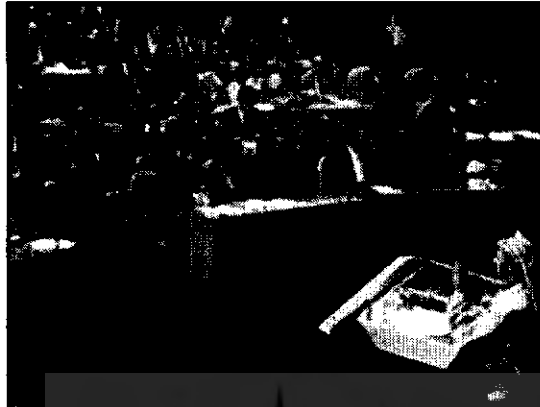
پس از اشغال فلسطین و تشکیل دولت اسرائیل، واکنش ها در مقابل اشغالگری و اشغالگران شتاب گرفت. این واکنش ها به تعداد دیدگاه ها و باورهای اصحابش متعدد و گوناگون بود: عده ای آن را مقابله میان اسلام و کفر می دیدند و برای مقابله با یهودیان به جهاد فی سبیل الله دعوت می کردند. عده ای آن را کشمکش میان اعراب و اسرائیل می دانستند و وجدان اعراب را به ستیزه جویی علیه اسرائیلیان فرامی خواندند. گروهی آن را در چارچوب مبارزات ضد استعماری ملت های تحت سیطره استعمار، علیه

استعمارگران ارزیابی می کردند و برای رهایی از آن، پرچم مبارزه را برمی افراشتند و عده ای هم آن را به عنوان مبارزه علیه امپریالیسم و مزدورانش تلقی می کردند و با جنگیدن علیه اسرائیل به عنوان زاندارم امپریالیسم در منطقه حساس خاورمیانه می خواستند پوزه امپریالیسم را به خاک بمالند و سرانجام گروهی هم جنگ با اسرائیلیان را مبارزه علیه صهیونیسم جهانی تلقی می کردند و با صهیونیسم به عنوان یک جنبش توسعه طلبانه، نژادپرستانه و اشغالگرانه به نبرد برخاسته بودند.

بی تردید دیدگاه های دیگری نیز در امر مبارزه میان فلسطینیان و اسرائیلیان بوده و هست که بنای ما بر حصر همه

آنها نیست و آنچه ذکر شد به عنوان نمونه ارائه گردید. اما نقطه اشتراک تمام دیدگاه های یاد شده، مشروعیت مبارزه ملت فلسطین علیه اسرائیل و ضرورت احقاق حق آنان بود. در کنار این نقطه مشترک، تنوع دیدگاه ها و تفاوت مواضع طبیعتاً شکل های گوناگونی از مبارزه را متبلور ساخت. راه دشوار فلسطین در کش و قوس تحولات تلخ به سختی ادامه پیدا کرد و از آنجا که ارتش های کلاسیک کشورهای عربی نتوانستند کاری انجام دهند، اراده معطوف به ضرورت توسل به مبارزه مسلحانه در میان روشنفکران و فرهیختگان رسوخ پیدا کرد:

تأسیس "جنبش ناسیونالیست های عرب" توسط دکتر "جورج حبش" و چند نفر از دوستانش، راه اندازی "حزب آزادیبخش اسلامی" به دبیرکلی "تقی الدین نبهانی" در بیت المقدس و سرانجام تشکیل "سازمان آزادیبخش فلسطین" به ریاست "احمد شقیری" در تاریخ ۱۹۶۴/۵/۲۸ همگی ناشی از همین احساس و خاستگاه همین اراده بود. اما بلافاصله باید گفت که هیچ کدام از این گروه ها و تشکل ها نه در حد و



**برخوردهای مسلحانه در میان فلسطینیان و نیروهای استعمارگر انگلیسی و صهیونیستی.**

**در آوریل ۱۹۲۰، تظاهرات حیفا در ۱۹۲۱/۳/۲۸، جنبش یافا در ۱۹۲۱/۳/۲۸، شورش معروف به "هبه البراق" در ۱۹۲۳/۸/۲۳ و جنبش سراسری در ۱۹۳۳/۱۰/۲۸ همه و همه برای جلوگیری از خطر انعقاد نطفه نامشروعی بود که از مراودات پشت پرده میان صهیونیست ها و مقامات استعمارگر انگلیسی احساس می گردید**



**اینک عرفات از میان فلسطینیان رخت بر بسته است اما میراث او و میراث همه شهدای فلسطینی فراراه همه ره پویان قرار دارد تا با اراده ای خستگی ناپذیر و با درایتی وصفناشدنی مسیر طولانی و دشوار آزادی گام به گام فلسطین را بپیمایند**

اندازه لازم برای مقابله با دشمن بودند و نه سازوکار لازم برای این پروژه عظیم را تدارک دیده بودند. تنها گروهی که توسط عده‌ای از جوانان تحصیلکرده و خودساخته مبتنی بر تنوع فکری و اعتقادی و ملتمزم به اصل آزادی بخشی فلسطین تشکیل شد، جنبش آزادیبخش فلسطین "فتح" بود. بد نیست بدانیم که کلمه "فتح" دارای سه حرف است که از چپ به راست به ترتیب "ح" حرف اول "حرکت" و "حرف" "ت" حرف اول کلمه "تحریر" و "حرف" "ف" حرف اول فلسطین و جمع حرکت

تحریر فلسطین = فتح جنبش آزادیبخش فلسطین است. این جنبش از سال ۱۹۵۹ شروع به مطالعه، تحقیق، عضوگیری و برنامه‌ریزی کرده و سرانجام در روز اول ژانویه ۱۹۶۵ نخستین عملیات فدایی را علیه اشغالگران انجام داد و اهدافش را همراه با انجام عملیات اعلام کرد:

مبارزه مسلحانه علیه دولت اشغالگر اسرائیل و تأسیس کشوری دموکراتیک که در آن مسلمانان، مسیحیان و یهودیان در کنار هم به زندگی مسالمت‌آمیز ادامه دهند. الفتح به عنوان موثرترین و فراگیرترین نیروی رزمنده فلسطینی در میان جوانان عرب و فلسطینی محبوبیت پیدا کرد و بویژه پس از پیروزی

چریک‌های الفتح در نبرد "کرامه" محبوبیت الفتح به اوج خود رسید و باعث شد که هزاران هزار نیروی رزمنده جذب پایگاه‌های فدایی شوند. رشد فزاینده گرایش به مبارزه مسلحانه و توسعه چشمگیر الفتح باعث شد که هم اسرائیل و هم ارتجاع عرب به صورت جدی احساس خطر کنند و برای مقابله با آن چاره‌ای بیندیشند. طومار بلندی از توطئه‌ها، ناجوانمردی‌ها و از پشت خنجرزدن‌ها آغاز شد و مبارزان فلسطینی را که برای تشکیل یک دولت دموکراتیک در کل سرزمین فلسطین و پی‌ریزی جامعه‌ای مبتنی بر زندگی مسالمت‌آمیز همه شهروندان با هر دین و مذهب و گرایش، مبارزه می‌کردند و به موفقیت‌های بزرگی هم دست یافته بودند، دچار وضعیت

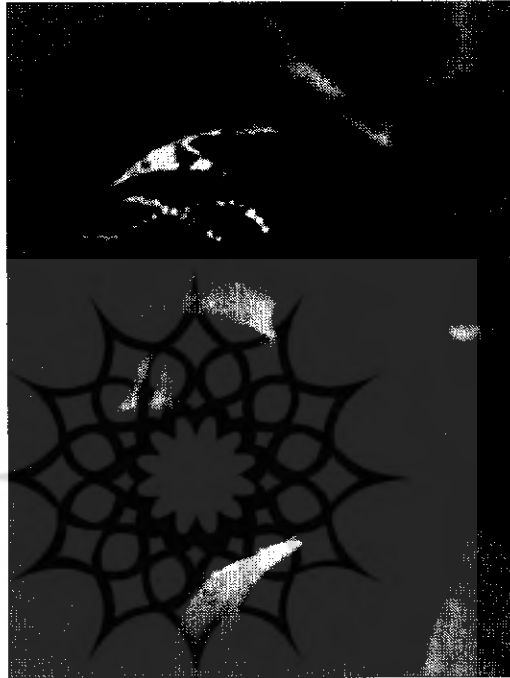
شکننده‌ای کند که به ناچار سر از قرارداد غزه، اریحا درآورد و در کنفرانس اسلو قراردادی را امضا کنند که در نهایت دستیابی فلسطینی‌ها را به بخشی از سرزمین فلسطین در چارچوب دولتی خودگردان فراهم می‌سازد.

\*\*\*

### آزادی بخشی از فلسطین:

به نظر می‌رسد دشوارترین مرحله مبارزه فلسطینیان از زمانی آغاز شد که تحت انواع فشارهای داخلی و خارجی به ناچار

فلسطینیان در مقابل امر واقع تسلیم شدند و به وضعیت تلخی تن دادند که دست‌کم مطلوب آنان هم نبوده است. مهندسی این پروژه دشوار و سخت به رهبری یاسر عرفات مراحل مهمی را پیمود. جدل و جدال پیگیر عرفات و مقامات دولت خودگردان با مقامات اسرائیلی و موضع‌گیری‌های سرسختانه آنان در همه مراحل از یک سو و جنبش سراسری "انتفاضه" فلسطینیان و جانفشانی‌ها و از خودگذشتگی‌ها و دلوری‌های قهرمانانه حماسه‌آفرینان "حماس" و مجاهدان "جهاد اسلامی" و تربیت یافتگان آموزگار جهاد و ابوجهاد، از سوی دیگر، دست به دست هم داد تا



پیمودن این راه صعب‌العبور، هر چند با کندی و سختی ادامه یابد. زمانی یکی از مقامات ارشد اسرائیل گفته بود: مذاکرات با وجود عرفات به هیچ جا نمی‌رسد و مذاکره بدون عرفات هم لغو و بیهوده است و ارزشی ندارد. این حرف برخاسته از شناختی دقیق از شخصیت ابوعمار بود. ابوعمار، علاوه بر چالش سختی که میان او و مقامات اسرائیلی وجود داشت و باید همواره کوشش می‌کرد که در کمال آگاهی و فطانت به بازی توانفرسا و حساسش در برابر اسرائیلیان ادامه دهد، دچار یک مشکل درونی نیز بود. عرفات در درون خودش نماد و نمود عرفات اسلو به تنهایی نبود. عرفات، در ذات خود عرفات، کرامه هم بود، عرفات جهاد و شهادت، عرفاتی که در حصار تنگ

عقلانیت، مدیریت منطقی، همگرایی در امور استراتژیک، همدلی و همبستگی میان گروه‌ها و سازمان‌ها، ترجیح منافع بلندمدت ملی بر منافع سازمانی و جناحی و التزام به اصل احترام متقابل و سرانجام هو شیاری و زیرکی بیش از حد در مقابل ترفندهای اشغالگران می‌تواند مبنای تحقق بخشی از آرمان‌های ملت فلسطین باشد

دفترش در رام‌الله آنقدر ایستاد و پایداری کرد تا سرانجام به آرزوی دیرینه‌اش دست یافت و شهید شد...

اینک عرفات از میان فلسطینیان رخت بر بسته است اما میراث او و میراث همه شهدای فلسطینی فرازه همه ره‌پویان قرار دارد تا با اراده‌ای خستگی‌ناپذیر و با درایتی وصف‌ناشدنی مسیر طولانی و دشوار آزادی گام به گام فلسطین را بپیمایند.

\*\*\*

یاسر عرفات، در سخنرانی معروفش در سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۴ جمله معروفی را بر زبان آورد، او طی سخنان موثر تاریخی گفت: "آقای رئیس، خانم‌ها و آقایان! من به اینجا آمده‌ام، در یک دستم اسلحه و در دست دیگرم شاخه زیتون است. نگذارید که شاخه زیتون از دستم بیفتد... نگذارید. نگذارید."

\*\*\*

باور نگارنده این است و شواهد و مدارک فراوانی نیز این مسئله را اثبات می‌کنند که پس از شکست ارتش‌های کلاسیک عرب در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ استقبال از عملیات چریکی و جذب سازمان‌های پارتیزانی به صورت چشمگیری فزونی یافت، ولی پس از جنگ رمضان در اکتبر ۱۹۷۳ که گرچه ظاهراً به پیروزی نسبی ارتش مصر بر ارتش اسرائیل و عبور از خط معروف "بارلو" انجامید، اما در پشت پرده اعتقادی به وجود آمد که برای آزادی فلسطین دیگر نباید امیدی به ارتش‌های عربی داشت و چون نابودی اسرائیل را از طریق مبارزات صرفاً چریکی ناممکن می‌دانستند، عده‌ای از صاحب‌نظران به این فکر افتادند که در کنار مبارزه مسلحانه، از شیوه‌های گفت‌وگو و ارتباط هم استفاده شود.

در این رابطه لازم می‌دانم به دو نوشته از آقای "محمود عباس (ابومازن)" رئیس کنونی دولت فلسطین اشاره کنم. نوشته اول بسیار دقیق و مفصل است و با نام "القضیه، آفاق جدید" = (مسئله فلسطین، چشم‌اندازهای نوین) در ژانویه ۱۹۷۸ چاپ شده است. ابومازن از موسسان جنبش چریکی الفتح و عضو کمیته مرکزی الفتح نیز بود. این نوشته به کالبدشکافی واقعیت اسرائیل می‌پردازد و از سیاست "نادیده‌انگاری دشمن" و برخورد جاهلانه و جهل‌انگارانه به شدت انتقاد می‌کند و پرسش‌هایی را مطرح می‌کند و توضیح می‌دهد که باید برای همه این پرسش‌ها پاسخ لازم را پیدا کرد.

برخی از پرسش‌های مطرح‌شده در آنجا از این قرار است:  
۱. موضع ما نسبت به احزاب اسرائیلی چگونه باید باشد؟  
۲. موضع ما نسبت به شهرداران عرب که توسط مردم در انتخابات شوراهای شهر انتخاب شده‌اند چگونه باید باشد؟  
۳. ماهیت روابط اسرائیل و آمریکا چیست؟  
۴. مسئله کارگران عرب فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی چیست؟ و چه راهکارهایی را باید در برابر برگزینیم؟  
نوشته آقای ابومازن حدود ۱۵۶ صفحه است و همان‌طور

که گفته شد به دنبال ارائه حرف‌های جدید و راهکارهای نوینی است که با شعارهای مصطلح آن روز بسیار متفاوت است.

نوشته دوم، کتابی است با نام "هذه الاتصالات لماذا؟" این ارتباطات برای چه؟ که از سوی انتشارات خبرگزاری رسمی فلسطین "وفا"، در سال ۱۹۸۹ به چاپ رسیده است. در این نوشته به طور شفاف آقای محمود عباس گزارش می‌دهد که روند ارتباطات میان فلسطینیان و اسرائیلیان چگونه بوده است و توضیح می‌دهد که ما برای رسیدن به هدف از همه وسایل لازم باید استفاده کنیم و سپس گزارش مفصلی ارائه می‌دهد از نخستین ارتباط رسمی که میان فلسطینی‌ها و حزب کمونیست اسرائیل "راکاح" در سال ۱۹۷۷ به وجود آمد و یادآور می‌شود که در تمام این ارتباطات بر اساس مصوبه‌های رسمی نهادهای قانونی فلسطینی و کمیته مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین انجام گرفته است. در این کتاب زیروم گفت‌وگوها و مذاکرات، مورد بحث قرار گرفته است و تمام مصوبه‌های مربوط به مذاکرات و ارتباطات هم به صورت پیوست در پایان نوشته آمده است.

\*\*\*

میراث عرفات در عرصه حیات فلسطینی‌ها پابرجاست، گویی هنوز هم در یک دستش اسلحه و در دست دیگرش شاخه زیتون قرار دارد؛ دولت خودگردان فلسطین به عنوان بخشی از میراث ماندگار شهدای فلسطین و انقلاب فلسطین پویا و پرتحرک با عقلانیت و چالاکتی، بمانند شاخه زیتونی در خدمت فلسطینیان به زندگی مسالمت‌آمیز و صلح فرامی‌خواند و وجدان جامعه جهانی را به حقانیت فلسطینیان آگاه و آگاه‌تر می‌سازد و در کنار آن اراده خلل‌ناپذیر جهادگران و فداپایانی که همواره آماده‌اند تا به منظور تحقق آرمان‌های والای شهدای فلسطینی سرزمین فلسطین را با خون خویش رنگین نمایند و نهال آزادی را با جوهر وجودی خویش سیراب سازند همانند اسلحه‌ای کارساز، پروژه آزادی و استقلال را به پیش می‌برند. دیروز اشغالگران از غزه عقب‌نشینی کردند، چه کسی تصورش را می‌کرد؟ کرانه باختری هم عقب‌نشینی اشغالگران را انتظار می‌کشد، در آینده‌ای نه چندان دور، بیت‌المقدس هم از اشغال نجات خواهد یافت...

عقلانیت، مدیریت منطقی، همگرایی در امور استراتژیک، همدلی و همبستگی میان گروه‌ها و سازمان‌ها، ترجیح منافع بلندمدت ملی بر منافع سازمانی و جناحی و التزام به اصل احترام متقابل و سرانجام هوشیاری و زیرکی بیش از حد در مقابل ترفندهای اشغالگران می‌تواند مبنای تحقق بخشی از آرمان‌های ملت فلسطین باشد. رشد و بلوغی که فلسطینیان در این زمینه از خود نشان داده‌اند کم و بیش قابل تقدیر و تحسین است و علیرغم چالش‌های جزئی و گذرا بر مدیریت درست و منطقی نیروهای گوناگون فعال در صحنه سیاست و مبارزه فلسطینیان دلالت می‌کند. □